

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.



## انتقاد جان کری از ترامپ

جان کری، وزیر امور خارجه سابق آمریکا، هفته گذشته با انتقاد از تصمیم ترامپ برای خروج آمریکا از توافق هسته‌ای ایران گفت که این اقدام به آمریکایی‌ها «امنیت کمتری» داده است. کری در بیانیه‌ای اعلام کرد: وقتی دونالد ترامپ درخواست‌های نزدیک‌ترین متحدان ما را رد کرد و ایالات متحده را از برجام خارج کرد، منطقه خطرناک‌تری ایجاد کرده و ایران را قدرتمند کرد و به‌جای منزوی کردن تهران، ایالات متحده را منزوی کرد. کری افزود: «حتی جمهوری خواهانی که با توافق اولیه مخالف بودند از کاخ سفید ترامپ در خواست کرده بودند تا در توافق برای حفظ اهرم فشار بر ایران باقی بماند، اما در عوض ترامپ هرج و مرج را انتخاب کرد. این کار جهان را خطرناک‌تر و آمریکایی‌ها را کمتر امن کرد.» کری که در زمان خدمت به‌عنوان وزیر امور خارجه بر تکمیل توافق با ایران در سال ۲۰۱۵ نظارت داشت، در بیانیه روز چهارشنبه هفته گذشته خود استدلال کرد که این توافق مؤثر بوده و تصمیم ترامپ برای خروج باعث تهاجمی‌تر شدن ایران شده است. کری گفت: «اکنون ترامپ به‌عنوان نامزد ریاست جمهوری به میدان بازگشته است و همان حرف‌ها را تکرار می‌کند و تهدید می‌کند که بار دیگر به تنهایی عمل خواهد کرد. او رهبری جهانی ما را تضعیف می‌کند و ما را از متحدان خود دور می‌کند. او در داخل آمریکا به دموکراسی و حقوق اساسی ما حمله می‌کند. امروز ما به لطف رهبری قدرتمند پریزیدنت بایدن، ما متحدانی داریم که کار را به اشتراک می‌گذارند و در کنار ما کار می‌کنند و ایالات متحده بار دیگر در صحنه بین‌المللی در خط مقدم قرار دارد. آمریکایی‌ها خواهان ثبات هستند، نه یک عامل آشوب‌گر در کاخ سفید.» کری در ماه فوریه از سمت خود به‌عنوان فرستاده ویژه رئیس‌جمهور بایدن در امور آب و هوا کناره‌رفت و نقشی را در کمک به کمپین انتخاب مجدد بایدن برعهده گرفت. ترامپ در ۸ مه ۲۰۱۸ اعلام کرد که ایالات متحده را از توافق هسته‌ای ایران خارج می‌کند. او با این اقدام متحدان اروپایی را کنار گذاشت و به وعده اصلی مبارزات انتخاباتی خود برای پایان دادن به آنچه «یکی از بی‌کفایت‌ترین» توافقی نام‌هایی که تاکنون انجام شده است، عمل کرد. ترامپ در آن زمان گفت: «این توافق آرامش را به ارمغان نیاورد، صلح را به ارمغان نیاورد و هرگز نخواهد آورد.» این توافق میلیاردها دلار درآمد در نتیجه کاهش تحریم‌ها را برای تهران در ازای پذیرش محدودیت‌هایی برای برنامه هسته‌ای اش فراهم کرد. متحدان اروپایی از ترامپ برای ماندن در توافق لابی کرده بودند. تقریباً هم‌زمان با اعلام خروج از توافق با ایران، ترامپ به جان کری حمله کرد و او را متهم به انجام «دیپلماسی در سایه» از طریق دیدار با مقامات ایرانی برای بحث در مورد حفظ توافق کرد. ایران در مرکز ناآرامی‌های اخیر در خاورمیانه پس از حملات حماس در اکتبر گذشته در اسرائیل بوده است. اسرائیل و ایران نیز در هفته‌های اخیر حملاتی را به یکدیگر انجام دادند که نگرانی از درگیری گسترده‌تر در منطقه را افزایش داده است. پس از حمله ایران به اسرائیل، دولت بایدن ماه گذشته تحریم‌هایی را علیه رهبران و نهادهای مرتبط با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، وزارت دفاع ایران و برنامه موشکی و پهنپادی دولت ایران اعمال کرد. دولت بایدن به دنبال احتیاط از درگیری گسترده‌تر با ایران بوده است، اما مقامات ادعا کرده‌اند که کاخ سفید به دنبال احیای توافق هسته‌ای دوران اوباما نیست. جان کری، سخنگوی این سازمان ماه گذشته به خبرنگاران گفت: «ما هیچ چیز را بهتر از این نمی‌دانیم که بتوانیم پیشرفت هسته‌ای ایران را متوقف کنیم و این کار را از طریق دیپلماسی انجام خواهیم داد. متأسفانه، این گزینه در حال حاضر بر روی میز نیست، زیرا ایرانی‌ها، با حسن نیت مذاکره نمی‌کنند.» خروج ترامپ از توافق با ایران یکی از اقدامات مهم سیاست خارجی وی در دوران حضورش در کاخ سفید بود. رئیس‌جمهور سابق آمریکا در ماه‌های اخیر بارها مدعی شده که جنگ بین اسرائیل و حماس به دلیل تحریم‌های شدیدی که دولتش علیه ایران وضع کرده بود، هرگز آغاز نمی‌شد. ترامپ در مورد نحوه مدیریت جنگ بین اسرائیل و حماس چندان توضیحی ارائه نکرده است، با این حال، گفته است اسرائیل در جنگ روابط عمومی بازنده است. دستیاران ترامپ به‌طور مشابه استدلال کرده‌اند که بایدن مقصر ناآرامی‌ها در خاورمیانه است. کارولین لیویت، سخنگوی ستاد انتخاباتی ترامپ این هفته در بیانیه‌ای گفت: «بایدن ایران را قدرتمند کرد که منجر به جنگ در اسرائیل شد. ضعف و شکست بایدن دلیل بروز هرج و مرج در سراسر کشور و سراسر جهان است. آمریکایی‌ها می‌توانند مطمئن باشند که در روز اول، ترامپ صلح را از طریق اعمال قدرت در خارج از کشور، باز می‌گرداند و خواستار برقراری قانون و نظم در داخل می‌شود.»



دیپلمات  
هستی  
ایران

# مطیع‌ترین وزیر خارجه شاه

## کارنامه دیپلماتیک غلامعباس آرام

## از ارتباط با انگلیس تا نقش‌آفرینی در برخورد با مخالفان در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲

این سرکوب نقش داشت و گویا از مشاوران نزدیک او نیز بود. غلامعباس آرام، نخستین وزیر امور خارجه دوران محمدرضا شاه پهلوی بود که دوران وزارتش کوتاه نشد و توانست چند سالی بر کرسی خود تکیه کند؛ پس از او بود که دوران باثبات دولت‌ها و به تبع آن وزیران آغاز شد. از او به‌عنوان مطیع‌ترین وزیر امور خارجه محمدرضا شاه پهلوی یاد می‌شود کسی که شهرت دارد در خدمت‌منشی شاه در امور سیاست خارجی نقش ایفا می‌کرد در عین حال به ارتباط با انگلیسی‌ها شهره بوده؛ به‌گونه‌ای که این شهرت در اسناد ساواک نیز منعکس شده است. اما آرام با وجود ارتباط با انگلیسی‌ها ترقی خود را مرهون حسین علاء است؛ دولت‌مردی که به ارتباط با آمریکایی‌ها و سوه‌ظن به انگلیسی‌ها علاقه داشت. غلامعباس آرام، آرام‌ترین و مطیع‌ترین وزیر امور خارجه ایران در دوران حکومت محمدرضا شاه و یکی از رکوردداران مناصب وزارت و سفارت در این دوران به‌شمار می‌رود. پیش از او وزیران امور خارجه‌ای چون دکتر علیقلی اردلان، علی‌اصغر حکمت و دکتر جلال عبده روی کار آمده بودند، اما هیچ‌یک از آنها، رضایت محمدرضا شاه را به دست نیاورده بودند. شاه به‌دنبال فردی بود که بتواند بی‌هیچ چون و چرا دستورات وی را اجرا کند و بالاخره فرد مورد نظر خود را یافت. آرام به‌خوبی در حکم‌منشی شاه در عرصه سیاست خارجی، اقدام می‌نمود. آرام، وزیر خارجه مطیعی برای شاه بود و دستورات شاه را عیناً اجرا می‌کرد و به نظر می‌رسد همین عامل باعث تثبیت در سمت وزارت امور خارجه وی به مدت شش سال بود است. او در سند ازبایی ساواک به‌عنوان فردی «کم‌تجربه در کار و چاپلوس و متملق» و «اهل قمار و مشروب» معرفی شده است. همین سند می‌نویسد: «به حسین علاء، وزیر مختار و سفیر کبیر ایران نزدیک می‌شود چون مرد چاپلوسی است در وی نفوذ کرده و به‌وسیله او از سال ۱۳۲۶ که بعد در وزارت امور خارجه ترقی می‌نماید و به سمت دبیر اول منصوب و در سال ۱۳۲۸ با فشار حسین علاء، سفیر کبیر ایران در ژاپن منصوب و تنها سمت سیاسی مهم او بود و چون دکتر جلال عبده از وزارت امور خارجه استعفا می‌دهد او به سمت وزیر امور خارجه منصوب می‌گردد...»

وی کمتر با شخصیت‌های مملکتی معاشرت دارد و بیشتر معاشرت او با حسین علاء وزیر دربار شاهنشاهی است.» این گزارش در پایان اظهار می‌دارد: «گفته می‌شود هنوز میان آرام و مقامات انگلیسی ارتباط برقرار است.»

### از آوارگی تا وزارت امور خارجه

غلامعباس آرام، در خانواده گمنام و فقیری در محله «فهادان» یزد متولد شد. پدر او ملاعلیرضا چای فروش از مبلغان فعال بهائیت در یزد و نیریز فارس بود و در نیریز در دگرگیری میان مسلمانان و بهائی‌ها کشته شد. گزارش ساواک مادرش را پاکستانی و مسلمان معرفی کرده است. درست مشخص نیست او تحت تأثیر اعتقادات مادر یا پدر خود بوده ولی او به‌هنگام داشتن مقام وزارت یا سفارت و یابی کاری و خانقوشینی اظهار مسلمانی می‌کرد. هرچند در ایامی که قباوی وزارت را بر تن داشت گفته می‌شد نسبت به معبودی از کارمندان وزارت امور خارجه که به بهائیت معروف بودند بی‌توجه نبود و در لیستی که ساواک از ۱۱۲ تن از بهائیان شاغل در دوائر کشوری و لشکری در سال ۱۳۳۹، فراهم کرد، صراحتاً از عباس آرام به‌عنوان یکی از بهائیان یاد شده است. گویا مادر غلامعباس پس از مرگ پدر با یک هندی ازدواج کرد و چون شوهر او با غلامعباس رابطه خوبی نداشت، وی خانه را ترک کرد و از یزد به آبداه رفت و در مدرسه صحت آن شهر به تحصیلات خود ادامه داد و از آنجا به مدرسه گلپهار اصفهان رفت. گویا در آبداه توسط شخصی به نام سرهنگ دکتر دانشور، رئیس بهداری پلیس جنوب، به‌عنوان بهیار استخدام شد. تهمورث اهمیت بیان می‌کند که آرام مدتی شاکرگد کلنل سرپرسی سایکس نظامی و نویسنده معروف انگلیسی بوده و سال ۱۳۰۲، به پلیس جنوب پیوست. آرام به‌صورت انقیر میه (بهیار) در پلیس جنوب استخدام شد و در آنجا اصول مربوط به در مان اولیه مجروحان را فرا گرفت. پس از انحلال پلیس جنوب به بمبئی و سپس کلکته رفت و در آنجا به تحصیل پرداخت و زبان انگلیسی را به خوبی فراگرفت. آرام، مدتی به اروپا رفت، اما پس از زمانی کوتاه به هند بازگشت. علت اینکه آرام به هند بازگشت طبق نظر خودش، به این خاطر بود که هزینه سفر و ادامه تحصیل در اروپا بسیار زیاد بود و چون از عهده این کار بر نمی‌آمد راهی بمبئی شد و در آنجا در تجارخانه یک تاجر اصفهانی به نام ابوالحسن اصفهانی به سمت منشی‌گری پرداخت. سپس در کنسولگری انگلستان مشغول به کار شد. در همان جابود که از طرف مستر کنت کنسول انگلستان در بمبئی مورد توجه قرار گرفت و تحت تربیت او قرار گرفت؛ به‌طوری‌که در همه مأموریت‌ها همراه وی بود. او در این مدت با روزنامه حیل‌المتین و مؤیدالاسلام نیز به همکاری پرداخت. آرام به تحصیل در کالج لامارتن نیز مشغول شد و پس از به پایان بردن این دوره به دانشگاه کلکته راه یافت. او در سال ۱۳۰۲ از سوی سرکنسول ایران در کلکته، میرزاتقی خان معززالدوله به منشی‌گری سفارت منصوب شد و پس از چندی وقتی میرزا باقرخان عظیمی، سرکنسول ایران در دهلی، اطلاع پیدا کرد شخصی به نام غلامعباس آرام گذشته از خط خوشی که دارد زبان انگلیسی را هم به خوبی می‌داند، او را به عنوان کارمند محلی در کنسولگری ایران استخدام کرد و به مترجمی سرکنسولگری ایران در دهلی ارتقاء یافت. آرام خود سمت خویش را در این ایام «دفتردار ژنرال قنصلگری ایران در هندوستان» نوشته است. غلامعباس آرام سرانجام در سال ۱۳۱۴، پس از ۱۲ سال به ایران بازگشت و در همان سال از طرف باقر کاظمی، وزیر امور خارجه دولت محمدعلی فروغی به‌سمت مترجمی زبان انگلیسی با حقوق ماهیانه پانصد و پنجاه ریال به استخدام قرارداد وی وزارت امور خارجه درآمد. سرانجام در آبان ماه همان سال با احتساب دوره خدمت آرام از سال ۱۳۰۲ در کنسولگری هند و نیز سابقه خدمت وی در بیمارستان ژاندارمری در ۱۲۹۴، به استخدام رسمی در وزارت امور خارجه درآمد. در سال ۱۳۱۵ در دوره سفارت علی سهیلی در لندن، آرام به‌عنوان وابسته سفارت منصوب شد و دو سال بعد به دبیر سوومی سفارت ایران در لندن ارتقاء یافت.

### ارتباط با علاء و ترقی تا وزارت

او در سال ۱۳۲۱ به ایران بازگشت و سه سال بعد به دبیر اولی سفارت ایران در واشنگتن منصوب شد و در سال ۱۳۲۸ نیز به راینر سفارت ارتقاء یافت. در همین مأموریت بود که به حسین علاء نزدیک شد و توانست اعتماد او را جلب کند و از حمایت او بر خوردار شد. آرام در سال ۱۳۳۰ به تهران فراخوانده شد و به سمت‌هایی چون بازرسی وزارتخانه، ریاست اداره چهارم سیاسی (امور مربوط به آمریکا) منصوب شد. پس از مدتی گزارشی از سوابق کار عباس آرام به نخست‌وزیر وقت دکتر محمد مصدق داده شد. در این گزارش آمده بود که آرام در جوانی عضو پلیس جنوب بوده و فردی غیر مطمئن به نظر می‌رسد و حتی علیه دولت است و با مخالفان نهضت ملی ارتباط دارد و در شرایطی که ایران درگیر مبارزه با دولت بریتانیا می‌باشد، صلاح و جایز نیست که آرام به کار و فعالیت در وزارت امور خارجه ادامه دهد. دکتر مصدق بعد از خواندن این گزارش از حسین نواب، وزیر امور خارجه درخواست کرد عباس آرام را به وزارتخانه دیگری بفرستد اما، حسین نواب مخالف این کار بود و در برابر مصدق ایستادگی کرد و حتی روز ۱۷ مهر ۱۳۳۱، از سمت خود استعفا داد؛ چراکه نواب این گزارش را برای برکناری آرام کافی نمی‌دانست. ولی مدتی طول نکشید که مجدداً به کار دعوت شد.

عباس آرام در بهمن ۱۳۳۱ به راینر سفارت ایران در بغداد مأمور شد و مرداد ۱۳۳۲ به راینر سفارت ایران در واشنگتن رفت و پس از کودتا به مدت سه سال وزیر مختار ایران در واشنگتن بود. با سقوط کابینه علاء در ۱۲ فروردین ۱۳۳۶، سخن از نخست‌وزیری چند نفر، از جمله آرام در محافل سیاسی در میان بود. اما سرانجام دکتر منوچهر اقبال مأمور به تشکیل کابینه و آرام از بهمن ۱۳۳۶ تا مرداد ۱۳۳۸، به سمت سفیر کبیر ایران در توکیو منصوب شد. در ۱۱ مردادماه سال ۱۳۳۸ از سوی دکتر اقبال نخست‌وزیر، به تهران فراخوانده شد تا به جای دکتر جلال عبده، به سمت وزیر امور خارجه منصوب شود که به



داود دشتبانی

خبرنگار گروه دیپلماسی

پس از آغاز دوران دوم سلطنت محمدرضا پهلوی پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ هر چند شاه مایل بود سلطه و اقتدار بیشتری در امور دولت به‌ویژه سیاست خارجی داشته باشد اما با وجود رجال مقتدری چون فضل‌الله زاهدی و حسین علاء در مقام نخست‌وزیر، وزیران امور خارجه‌ای که سرکار می‌آمدند بیشتر تابع نخست‌وزیر و منتخب او بودند تا شاه. عبدالله انتظام و علیقلی اردلان و علی‌اصغر خان حکمت و جلال عبده، وزیران امور خارجه پس از کودتا همگی مورد غضب شاه قرار گرفته و مجبور به کناره‌گیری از مقام خود شدند. با نخست‌وزیری منوچهر اقبال بود که مقام نخست‌وزیر نیز به بله‌قربان گوی شاه تنزل کرد و اقبال به دنبال یافتن گزینه مطلوب شاه، جلال عبده را از سازمان ملل فراخواند تا اوامر شاهنشاه برای شکایت از شوروی به شورای امنیت را اجرا کند اما عمر وزارت خارجه عبده از همه کوتاه‌تر شد چون او به شاه توضیح داد که ایران با شکایت از شوروی در شورای امنیت طرفی نخواهد بست و اساساً تبلیغات رادیو مسکو علیه ایران موضوعی نیست که منجر به دخالت شورای امنیت شود چرا که این موضوع صلح و امنیت جهانی را تهدید نمی‌کند. اینگونه بود که دم‌دستی‌ترین و نزدیک‌ترین گزینه که پیشترها از سوی حسین علاء به شاه معرفی شده بود و حتی به جای اقبال از گزینه‌های نخست‌وزیری بود، به‌عنوان وزارت امور خارجه رسید. هر چند دور اول وزارت آرام تنها یک‌سال به طول کشید و با پایان نخست‌وزیری منوچهر اقبال به اتمام رسید اما دوسال بعد در دولت علی امینی به وزارت برگشت و برای پنج سال در کابینه‌های اسدالله علم و رجعیلی منصور نیز وزیر بود. آرام در دوران پارتلهاب انقلاب سفید شاه و قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲ و سرکوب‌های پس از آن، بر کرسی وزارت امور خارجه تکیه داشت و در کنار اسدالله علم در